

کالبد شکافی جریان «داعش» بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

الهام حیدری^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۷/۲۸

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۹/۰۹

چکیده

این نوشتار درصدد است تا ضمن بررسی زمینه‌های تاریخی و فکری جریان داعش با تأمل در خاستگاه‌های اجتماعی، سیاسی و داخلی آن، به دلایل تقویت کننده منطقه‌ای و بین‌المللی آن بپردازد. چارچوب نظری و روش تحلیل پژوهش حاضر، نظریه سازه انگاری قاعده محور و نظریه امنیت جامعه‌ای باری بوزان می‌باشد. با استفاده از نظریه سازه انگاری برساخته‌های هویتی مذهبی شیعه و سنی را در منطقه تبیین نموده و به چگونگی ایجاد ناامنی‌های واقعی در بر ساخته‌های ذهنی و غیر واقعی می‌پردازد. پرسش محوری که این نوشتار درصدد پاسخ به آن می‌باشد، این است " نقاط تقویت کننده جریان خشونت طلب و پیکاری داعش چیست و چگونه می‌توان با آنها مقابله نمود؟ " در این نوشتار به بررسی شکل‌گیری و نحوه تقویت این جریان در چهار سطح ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازیم. به لحاظ ذهنی با مدیریت امریکا و اسرائیل در بوجود آوردن هراس‌های غیر واقعی از جمله شیعه هراسی مواجه هستیم، شاهد حمایت‌های مالی برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان و ترکیه بوده و در سطح بین‌المللی مراجع قدرت و تصمیم ساز، تعلل و سکوت معنی‌داری را برای مقابله و نحوه مقابله با این جریان پیشه ساخته‌اند. و در پایان، راهکارهایی برای مقابله با نقاط تقویت جریان‌های افراطی خاورمیانه ارائه شده است. واژگان کلیدی: اسلام سیاسی، امنیت جامعه‌ای، برساخته، تکفیر، تهدید هویت.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان

مقدمه

این روزها تنها خاورمیانه بستر جنگ‌های داخلی و خونریزی‌های ناشی از اختلافات قومی و مذهبی نیست. اما ماهیت منازعه‌های خاورمیانه از سایر منازعه‌های جهان قدری پیچیده‌تر است. امنیت جامعه‌ای در مکتب کوپنهاگ که بوزان از اعضای کلیدی آن بود یک مفهوم مرکزی دارد: و آن «هویت» است. (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۴۲)

طبق این رویکرد هر گاه گروهی احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی - اجتماعی اش کنار نهاده یا دستکاری می‌شود احساس ناامنی می‌کند (Kymlica, 2002: 30-32).

ممکن است این احساس ناامنی واقعی باشد مانند مهاجرت انبوه از منطقه الف به منطقه ب و تقلیل تعداد و تمرکز ساکنان منطقه ب. و یا ممکن است احساس ناامنی خیالی باشد یعنی در پی تحرکات عادی گروه الف، گروه ب احساس ناامنی کند و حدس‌های غیر واقعی به ناامنی‌های واقعی منتهی گردد.

این معامله را باری بوزان معمای امنیت جامعه‌ای می‌نامد که بر طبق آن اقدامات جامعه در تلاش برای تقویت امنیت جامعه‌ای خویش موجب تنش در جامعه دوم می‌شود و در مسیر امنیت جامعه اول تضعیف می‌شود (Posen, 1993: 143-144). در واقع آنجا که بوزان در مبحث امنیت جامعه، راجع به هویت و نقش پر رنگ و متقن آن در منازعه‌های بحث می‌کند پیوندی ناگسستنی با آن بخش از نظریه سازه‌انگاری دارد که از تمرکز بر قدرت و توانمندی‌های مادی دولت تغییر جهت داده و می‌گوید آنچه منافع را تسخیر و کنترل می‌کند «هویت» دولت‌ها و ملت‌ها است. همان‌گونه که کراهمان‌الک در کتاب «تهدیدات و بازیگران جدید در نظام بین‌الملل» می‌گوید تعداد تلفات انسانی ناشی از خشونت‌های داخلی که بخش قابل توجهی از آنها خاستگاه هویتی دارند به مراتب بیشتر از دو جنگ جهانی است.

برای پاسخ به سوال مقاله حاضر مبنی بر اینکه نقاط تقویت ذهنی - ملی - منطقه‌ای و بین‌المللی جریان داعش کدام هستند، می‌بایست به سوالات فرعی ذیل پاسخ دهیم:

- ریشه‌های فکری جریان تکفیر چیست؟
- این جریان چگونه تقویت و پشتیبانی می‌شود؟

- منافع تقویت و پشتیبانی از این جریان برای کشورهای حمایت کننده چیست؟
- وجود این جریان برای چه کسانی منفعت و برای چه کسانی مخاطرات دارد؟

ادبیات پژوهش

باری بوزان نظریه پرداز مقوله امنیت و ساختارهای امنیتی نظام بین‌الملل جهان را به مناطق پنجگانه امنیتی تقسیم می‌کند و در هر منطقه نوعی وابستگی متقابل امنیتی میان دولت‌ها فرض می‌کند؛ اما در مورد خاورمیانه اذعان می‌کند که وضعیت بسیار پیچیده است و نمی‌توان صورت‌بندی‌های ساده مذهبی و قومی موجود در خاورمیانه را مبنای وجود وابستگی متقابل امنیتی میان دولت‌های این منطقه فرض نمود. در ادامه به تبیین هسته‌های اصلی منازعه در منطقه و نیز دو هسته اصلی منازعه اعراب در برابر دیگری‌ها (ایرانیان و یهودیان) و همچنین میراث عثمانی یعنی منازعه اعراب و ترک‌ها می‌پردازد. سپس عامل مذهب را اضافه می‌کند و اسرائیل را نماینده مذهبی متفاوت از مذاهب منطقه و ایران را نماینده شیعیان می‌داند. او به منازعه‌ها و تنش‌های درون کشورهای عربی پرداخته و ساختار ناسیونالیسم عربی را بیشتر از اینکه موجب هماهنگی و همکاری اعراب شود موجب افزایش رقابت می‌داند که منجر به تلاش‌های بی‌پایان عربی بر سر رهبری جهان عرب می‌گردد.

وی تا حد توصیف منازعه‌های عربی - غیر عربی و منازعه‌های عربی - عربی منطقه پیش می‌رود اما، نمی‌تواند به توصیف و تبیین بیشتر منازعه‌ها قومی - مذهبی منطقه بپردازد؛ بطور خلاصه از منظر نگارنده این نوشتار، جناب باری بوزان در تبیین هسته‌های منازعه خاورمیانه هر چه بیشتر می‌رود بیشتر درمانده می‌شود و پس از بارها اعتراف به درماندگی و پیچیده بودن منازعه‌های سنتی و گاه مدرن خاورمیانه است که نظریه معروف استمرار منازعه سازی در خاورمیانه را ارائه می‌کند. وی نتوانسته به خوبی به تبیین جریان تقابل شیعه - سنی در منطقه بپردازد؛ چرا که این منازعه بیشتر ناشی از منازعه‌های سیاسی - تاریخی درون مذهبی است که با مدیریت عوامل بین‌المللی بخصوص آمریکا و اسرائیل به آن دامن زده می‌شود و به جنگ و پیکار و نا آرامی می‌انجامد.

انتخاب نظریه سازه انگاری قاعده محور برای تبیین این منازعه نیز به دو دلیل بوده است: نخست اینکه، به زعم نگارنده جنس منازعه‌های خاورمیانه موضوعات غیر مادی مشتمل بر اختلافات هویتی و بینا ذهنی است.

دوم اینکه، سازه انگاری تنها نظریه‌ای است که ساختارهای غیر مادی و برساخته‌های ذهنی که بر رفتار تصمیم گیران در روابط بین‌الملل تاثیر می‌گذارد را مورد مذاقه قرار داده است. و اصولاً بهترین و جامع‌ترین نظریه در تحلیل منازعه‌های هویتی خواهد بود.

تکفیر در روابط بین‌الملل به چه معناست؟

تکفیر به معنای بر حق دانستن «خود» و تعریف مشخصه‌های تحریفی و شیطانی برای «دیگری» است. مذاهب و هویت‌های متفاوت «دیگری»^۱ تعریف می‌شوند چرا که به لحاظ هویتی کاملاً با ارزش‌های هویتی «خودی»^۲ متفاوت هستند اما میزان و درجه بندی این تفاوت از کاملاً متفاوت تا تفاوت‌های پذیرفته شده و قابل قبول و اندکی تفاوت به نوبه خود طیف وسیعی از کنش‌های مختلف را در افراد پدید می‌آورد.

کانلی و «تودوروف»^۳ درباره پیچیدگی ارتباط میان هویت و تفاوت با یکدیگر بر سر این موضوع توافق دارند که هنگامی که تفاوت با تمام پیچیدگی، کثرت و تنوع آن درک شود به منزله یک «خود» دیگر به رسمیت شناخته می‌شود اما «شیطانی جلوه دادن» پیچیدگی، کثرت و تنوع به موضوعی نگران کننده تبدیل می‌شود که ممکن است به شکلی باور نکردنی موجبات توسل به زور را فراهم کند. برای بررسی چگونگی پیدایش جریان تکفیری می‌بایست به وجوه مورد مناقشه و تفاوت‌های اندیشه میان شیعه و سنی پرداخت.

ریشه‌های فکری - سیاسی جریان تکفیر

ابن تیمیه: احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حرانی معروف به ابن تیمیه (متولد سال ۶۶۱ ه. ق. و ۶۴۱ ه. ش.) فقیه حنبلی و مبتکر و بنیان‌گذار نظری سلفیت است. اما در باره القاب و عنوان درست او اختلاف بسیار است. چه او را با القابی چون مفسر، رجالی، مفتی و ادیب یاد کرده‌اند. پدر او روحانی حنبلی مذهب بود که در عقاید و فقه از مذهب «احمد بن حنبل» (م/۲۴۱) پیروی می‌کرد، از این جهت فرزند خود را به مدارس حنابله فرستاد تا فقه حنبلی را فرا گیرد. جدّ اعلاّی وی از دانشمندان

1. Otherness
2. It self
3. Todorov

حنبلی مذهب و نخستین فرد ملقب به ابن تیمیه بوده است (ابن بطوطه: ۵۷). بسیاری از فتوهای او مطابق هیچ یک از مذاهب چهارگانه اهل تسنن یعنی حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی نبود. یکی از نخستین آثار او کتاب عقیده است که به نوعی خرق عادت در میان اهل تسنن محسوب می‌شود. وی در این کتاب به نقد و رد بسیاری از عقاید کلامی اشعری‌ها پرداخته و نسبت به آن باورها معترض است. از جمله ویژگی‌های ابن تیمیه، جسارت در ارائه عقاید و باورهایش بود.

آیین وهابیت در قرن ۱۲ هجری بر اساس افکار و آراء او پی ریزی گردید. به گونه‌ای که شناخت عقاید وهابی‌ها در گرو شناخت ابن تیمیه و آراء و عقاید او است. البته محمد بن عبدالوهاب مؤسس وهابیت بخشی از عقائد او را گرفت، و قسمت‌های دیگر آنرا رها کرد و به آن اهمیت نداد (زریاب خویی: ۱۳۸۲).

مبانی فکری ابن تیمیه می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

دیدگاه‌های سلبی

که آنها را در چهار بخش می‌توان خلاصه کرد:

۱ - وی معتقد بود آنچه در قرآن و احادیث وارد شده، بر همان معانی لغوی و متداول عرفی باید حمل شود و کسانی را که این نوع از صفات را به کمک قرائن موجود در آیات و روایات بر معانی مجازی و کنائی و معقول حمل می‌کنند، مؤوله (تاویل‌گرا) نامیده و به باد انتقاد می‌گیرد، و به این نیز اکتفاء نمی‌کند و می‌گوید: «همه صحابه و تابعان نیز بر این عقیده بوده‌اند».

۲ - بخش دوم تفکر او عادی دانستن مقامات پیامبران و اولیای الهی است و اینکه آنان پس از مرگ کوچکترین تفاوتی با افراد عادی ندارند، او در این راستا، مسائلی را مطرح می‌کند که همگی یک هدف را تعقیب می‌کند، و آن عادی جلوه دادن پیامبران، مخصوصاً پیامبر اسلام و اولیاء بزرگ دین است.

وی پیرو نقل و حدیث بود. ابن تیمیه بخاطر عقایدش که سخت با مذاهب اسلامی در تعارض است از دمشق اخراج شد و علمای آن روزگار تا مرز تکفیر او پیش رفتند. همچنین علمای دینی مدینه و مکه نیز از او ابراز برائت کرده و او را به این شهرها ممنوع‌الورود اعلام نمودند. (دفع الشبهه عن الرسول: ۱۲۵)

دیدگاه‌های اثباتی

۱. احیای توحید و معارف اصیل. مهم‌ترین دیدگاه ابن تیمیه این است که با مرور زمان، آرمان اصلی اسلام، یعنی توحید، تحت تأثیر اختلاط مسلمانان با فرهنگ‌های دیگر از یادها رفته است و بهترین شیوه احیای این آرمان، کوشش برای احیای اندیشه‌های کهن اسلامی، یعنی تفکر رایج در عصر پیامبر^(ص)، صحابه، و تابعین است. این کوشش را می‌توان با تکیه بر روایات، به جای تکیه بر اجتهاد و استدلال‌های عقلی و علمی پی گرفت.

۲. همچنین، از مهم‌ترین کوشش‌های فکری ابن تیمیه، تلاش برای مرز نهادن میان آیین‌های اسلامی اصیل - از دید خود وی - با آیین‌هایی است که بعدها، تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر، یا تحت تأثیر توسعه و تحول و رشد تمدن اسلامی پدید آمده است. (بدرالطالع: ۲۶۰)

وی می‌گوید عرب‌های پیش از اسلام، به خداوند معتقد بودند و همچنان که در قرآن هم یاد شده است، صرفاً بت‌ها را شفیعان درگاه الهی می‌دانستند. از دید وی، مهم‌ترین شعار پیامبر^(ص)، ترویج خداپرستی نبود؛ چرا که مردم همه خداپرست بودند. شعار پیامبر^(ص)، ترویج این معنا بود که خدا خودش از رگ گردن به مردم نزدیک‌تر است و واسطه‌ای نیاز ندارد. استدلال‌های گسترده او در کتاب‌هایی مثل قاعده جلیله فی التوسل و الوسيله، یا توحید الالوهیه و جز آن‌ها عرضه شده است (بدرالطالع: ۶۷).

۳. وی مخالف رشد و توسعه فلسفه، و دیگر علوم است که به نظرش، ریشه در فرهنگ‌هایی غیر از شبه جزیره عربستان، به جز دوره زندگی پیامبر اسلام دارند. البته بسیاری از علمای سنت نیز بر اندیشه‌ها و آرای ابن تیمیه انتقاداتی وارد نموده‌اند و خط بطلان کشیده‌اند. (زریاب خویی: ۱۳۲)

۲. زمینه‌های پیدایش جریان تکفیری

زمینه‌های ملی و داخلی

- بازماندگان حزب بعث و نداشتن سهم در قدرت عراق

اهل سنت باقی مانده از حزب بعث و رهبران قبایل، از زمانی که دولت شیعه، در عراق قدرت را بدست گرفت سهم کمی در قدرت داشته‌اند. بنابراین رهبران جوان قبایل به حمایت و پشتیبانی داعش برخاستند. قیامی که در استان انبار و موصل آغاز شد بطور گسترده‌ای توسط

قبایل سنی منطقه حمایت شد. نباید فراموش کرد که سنی‌ها در اثر جنگ عراق و حملات ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ همه چیز خود را از دست دادند از جمله آن می‌توان به انحلال ارتش در عراق اشاره نمود. آنها اکنون به شکلی دست به اقدامات تلافی جویانه زده‌اند (فریدمن، ۲۰۱۴).

- ناکارآمدی ارتش عراق

تا کنون هیچ کس قادر به کنترل واقعی موصل نبوده است. در گذشته صدام حسین نیز تقریباً هیچ کنترلی بر این شهر نداشت. مراکز استراتژیک شهر موصل می‌تواند با نیروهای نظامی به سادگی از خود دفاع کند. موصل همواره یک شهر سرکش بوده است. به علاوه ارتش کنونی عراق تنها بر روی کاغذ وجود دارد. میلیاردها دلار برای آموزش ارتش سرمایه گذاری شد ولی این دلارها برای امور دیگری به مصرف رسید. سنی‌ها فقط در انتظار زمان و شرایط مناسب و اشتباهات دولت بودند که عملیات تهاجمی خود را آغاز کنند. در نهایت با خروج نیروهای نظامی امریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ این شرایط فراهم شد. اوضاع عراق را نمی‌توان به سادگی بعنوان یک مشکل تروریستی در نظر گرفت (کریستوفر هیل، ۲۰۱۴).

زمینه‌های منطقه‌ای

- مقابله با حزب الله لبنان

طلیعه پیدایش جریان جدید تکفیری تحت عنوان داعش به اواسط بحران سوریه بر می‌گردد. نقطه حرکات اولیه این جریان ابتدا از شهر صیدا و مخالفت‌های یکی از شیوخ تکفیری اهل سنت به نام احمد ال‌اسیر در مقابله با حزب الله لبنان بود. احمد ال‌اسیر، اقدام به یارگیری و تنظیم کادر خود از بین جوانان متعصب اهل سنت صیدا و طرابلس به منظور مقابله با حامیان سوریه و بشار اسد کرد. جنبش حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی مخاطب اصلی این گروه در جنوب لبنان بوده است که در نهایت منجر به درگیری رودرو با ارتش و جمع شدن آنها از شهر صیدا و فرار احمد ال‌اسیر شد (محمد ایرانی، ۱۳۹۳).

- مخالفت عربستان با حمایت ایران از دولت سوریه

دومین بروز و ظهور داعش در حادثه انفجار سفارت جمهوری اسلامی ایران بود. بهانه این اقدام تروریستی خون بار، حمایت ایران از دولت سوریه بود. گروه عبدالله عزام آن را بر عهده

گرفت. این موج حضور تکفیری‌های داعش در لبنان تا امروز ادامه یافت و انفجارهای سه گانه در بقاع و ضاحیه در یکی از هتل‌های بیروت پای دو تن از اتباع عربستانی و دوباره گروه عبدالله عزام و داعش را وارد این ماجرا کرد. (محمد ایرانی، ۱۳۹۳)

نکته قابل تامل نفوذ امنیتی این گروه تروریستی در جای جای مناطق لبنان است که بدون داشتن اطلاعات دقیق امنیتی و بدون پوشش خارجی و تامین مالی و تسلیحاتی بیرونی، عملیات آنان امکان پذیر نیست. از ابتدای حضور تکفیری‌های سلفی اعم از لبنانی یا فلسطینی یا اتباع دیگر عربی مانند عربستان سعودی در کشور لبنان، منشا تامین خارجی این جریان‌ها یکی بوده و هدایت آن از مرکزیت واحدی برخوردار است. (رابرت بائر، ۲۰۱۴)

- ماهیت مزدوری گروه داعش و دریافت کمک‌های مالی از ترکیه - عربستان و یا آمریکا آنچه مسلم است، اینست که در عربستان سعودی برای داعش پول و کمک‌های مالی ارسال می‌نمایند. ترکیه به داعش برای نفوذ در سوریه کمک کرد. ولی اینکه آنها اکنون از این موضوع فراتر رفته‌اند هنوز در حاله‌ای از ابهام است (رابرت بائر، ۲۰۱۴).

زمینه‌های بین‌المللی

- دکترین غلط تغییر رژیم با توسل به زور

در واقع چالش از زمانی رخ داد که نئومحافظه کاران در آمریکا تصمیم به انحلال ارتش عراق در ماه مارس سال ۲۰۰۳ گرفتند. ارتشی که نقش انسجام دهنده‌ای در مجموع نیروهای سیاسی عراق بر عهده داشت. تخریب ارتش به معنی دگرگونی ساختار نظامی - دولتی و آغاز آشوب‌ها، هرج و مرج و در نتیجه جنگ داخلی بود. بخشی از سیاست‌مداران آمریکایی نیز اکنون از اوپاما انتقاد میکنند. چون اوپاما در جنگ سوریه دخالت نکرد شورش و انفجار و جنگ به عراق کشیده شد. اما آیا در آغاز جنگ در سوریه، ایالات متحده قادر بود گروه‌های سیاسی - مذهبی مخالف دولت سوریه (که همگی ادعای «میان‌ه‌رو»ی داشتند) را شناسائی کند؟

ارتش آزادی بخش هرگز وجود خارجی نداشت. غیر ممکن بود پیش بینی شود که سلاح‌های ارسال شده توسط ایالات متحده به دست چه کسانی می‌افتد. در واقع ریشه مشکلات به سال‌های ۲۰۰۳ باز می‌گردد. هنگامی که ایالات متحده دکترین «تغییر رژیم» را با

توسل به زور در شرق مدیترانه به تصویب رساند. این دکترین مشوق جنگ داخلی و فرقه‌ای شد (فریدمن، ۲۰۱۴).

- رضایت و سکوت امریکا

نمی‌توان تصور نمود امریکا از رویدادهای کنونی عراق ناراضی باشد، چرا که این فرصت به آنها اجازه می‌دهد شکست «سیاسی» خود را پنهان و وانمود کنند که تا قبل از خروج نیروهای نظامی ایالات متحده در عراق همه چیز خوب و عادی بوده است به وضوح روشن است که این موضوع در رابطه مستقیم با انتخابات امریکا قرار دارد. هم اکنون در میان سیاستمداران امریکایی تقسیم جناح‌های سیاسی و تضاد در گروه‌ها، بویژه در مورد مسائل شرق مدیترانه وجود دارد (فریدمن، ۲۰۱۴).

زمینه‌های ذهنی

- احساس عدم امنیت و تهدید هویت

تغییر و تحولات سریع علوم ارتباطات و درنوردیده شدن مرزهای فیزیکی توسط مخابره آسان پیام الکترونیکی در سراسر جهان موجب شد تعاریف دیگری از اشکال امنیت و امنیتی شدن یک موضوع به منصفه ظهور برسد. چنانچه در مطالعات امنیتی به مواردی فراتر از مسائل نظامی - سیاسی پرداخته می‌شود. همانطور که بوزان و همکاران دریافتند در مطالعات امنیت، دولت نمی‌تواند همچنان به عنوان تنها مرجع امنیت در کانون توجه باشد. چرا که اگر امنیت همیشه از آن دولت باشد معنای ضمنی اش آن است که امنیت دولت در نقطه مقابل جامعه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر ممکن است خود جامعه ناامن ولی درجه امنیت اجتماعی بالا باشد. سرانجام در کتاب ویور و دیگران ۱۹۹۳، گزینه دیگری برای مرجع امنیت معرفی شد: در حوزه اجتماعی مرجع امنیت هر جمعی است که از نظر هویتی بقای خود را در معرض تهدید می‌بیند. (باری بوزان، ص ۸۲ و ۸۳)

به جهت کالبد شکافی و بررسی انگیزه‌ها و محرک‌های ذهنی جریان تکفیری برای اعمال خشونت، لازم است درچارچوب بحث مناسبی پیش برویم. از این رو در ابتدا وارد مبحث امنیت جامعه‌ای خواهیم شد که در ذیل می‌آید.

امنیت جامعه‌ای چیست؟

بوزان و همکارانش، معتقدند بسان تهدیدات ملی، تهدیدات جامعه‌ای هم مکانیسم خود را دارند و تدابیر ملی، لزوماً برای حل نابسامانی‌های جامعه کارگشا نیستند. از دید آنها، هر جامعه‌ای، بسته به بافتار هویتی خویش، آسیب‌پذیریهای داخلی و تهدیدات خارجی ویژه خود را دارد. اگر هویت جامعه بر جدا بودن یا تنه‌بودن شکل گرفته باشد، حتی اضافه شدن جمعیت بسیار کوچکی از بیگانگان را هم مشکل امنیتی خواهد انگاشت (مانند فنلاند) یا اقوامی که تنها به اتکای اندکی بیشتر بودن تعداد افرادشان (مانند سنی‌های لبنان) یا از طرف سرکوب اکثریت (مانند صربها در کوزوو) کنترل دولت را در دست دارند، در برابر ورود سیلی از جمعیت رقیب یا بالاتر بودن نرخ زاد و ولد آنها آسیب‌پذیرند (مانند نگرانی اسرائیلیها نسبت به افزایش جمعیت فلسطینیها در غزه و کرانه باختری).

اگر هویت ملی به عادات فرهنگی مشخص گره خورده باشد، هر فرهنگ جهانی همگون ساز مانند امپریالیسم برایش تهدیدکننده خواهد بود. اگر محور هویت ملی جامعه‌ای، زبان باشد، آنگاه غلبه جهانی زبان انگلیسی به همراه نفوذپذیری متقابل و فزاینده جوامع، مشکل‌زا خواهد بود. مانند فرانسه (نصری، ۱۳۸۷: ۶۵).

اگر ملتی از ادغام و یکپارچگی تعدادی از گروه‌های قومی مذهبی تشکیل شده باشد، به طوری که حیات ملی هر یک از گروه‌ها، تاریخچه‌ای جداگانه داشته باشد، گسترش عمومی ناسیونالیسم و اندیشه خودگردانی و استقلال می‌تواند برایش مرگبار باشد (مانند یوگسلاوی، عراق، اتحاد شوروی سابق). اگر ملتی، دیگ در هم جوشی از گروه‌های متفاوتی باشد که با چاشنی ایدئولوژی گروه تازه‌ای را تشکیل داده اند، هویت ملی آن در برابر ابراز دوباره تمایز و عدم مشابهت نژادی و فرهنگی، آسیب‌پذیر خواهد بود (مانند ایالات متحده). اگر ملتی پیوند محکمی با دولت داشته باشد (مانند دانمارک) در برابر روند همگرایی سیاسی آسیب‌پذیرتر از ملتی خواهد بود که از سنت عملکرد مستقل از دولت و وجود هم‌زمانی لایه‌های سیاسی چندگانه، برخوردار است (مانند آلمان) (بوزان و همکاران، 191: 1386).

با مرور موارد فوق، منطق آسیب‌پذیری امنیت جامعه‌ای قابل درک، به دست می‌آید. در همه این موارد، ملت‌ها و گروه‌ها در صدد صیانت، بقا و ابراز خود هستند. آنها گمان می‌کنند و بعضاً به صراحت می‌بینند که هستی و هویتشان در مقابل تحولات عادی و تحرکات عمدی گروه‌های دیگر

تحدید می‌شود. بنا بر دیدگاه بوزان می‌توان چنین تبیین نمود که جامعه مسلمانان نیز بنا بر بافتار هویتی خویش آسیب پذیریهایی هویتی خاص خود را دارد. همان گونه که اسلام دارای فرقه‌های مذهبی متعددی است که در این میان به لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی، دو مذهب شیعه و سنی دارای نقاط آسیب پذیر هویتی می‌باشند چرا که از نظر هویتی هر مذهب می‌تواند ادعای هویت مستقل تاریخی - حکومتی داشته باشد. این دیدگاه در مورد داعش نیز - که خود را یک جریان سنی رادیکال قابل بسیج دانسته و اندیشه خودگردانی دارد - صادق است.

نقطه عطف امنیت جامعه‌ای با تهدید هویت

باری بوزان اصطلاح تهدید جامعه‌ای را اولین بار در سال ۱۹۸۳ و در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد (بوزان، ۱۹۷۵ - ۱۴۷). نکته‌ای که کمتر بدان توجه می‌شود این است که بوزان در آن کتاب، امنیت جامعه‌ای را صرفاً یکی از ابعاد پنجگانه امنیت ملی میداند، یعنی امنیت جامعه‌ای با محوریت هویت (در کنار ابعاد چهارگانه (نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی) امنیت ملی) لحاظ می‌گردد.

در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، امنیت جامعه‌ای یا اقتصادی مستقل از امنیت دولت به شمار نمی‌آید. جامعه یا گروه‌های تشکیل دهنده جامعه نظیر گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی تنها یکی از ابعادی است که در آن دولت، احتمالاً می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. ده سال بعد، یعنی در سال ۱۹۹۳ که بوزان با همکاری آل ویور کتاب «هویت، مهاجرت و دستور کار امنیتی» را نگاشت، وزن بیشتری برای وجه جامعه‌ای امنیت قائل شد (Buzan & Waever, 1993: 43).

در نتیجه، بوزان نظریه قبلی خود در مورد ابعاد پنجگانه امنیت دولت، را ترمیم و بازنگری کرد و جامعه را در کنار دولت به مرجع امنیت ارتقا داد. به عبارت دیگر، در نظریه قبلی بوزان، جامعه یکی از وجوه دولت، و هویت گروه‌ها یکی از موضوعات نگرانی و دغدغه دولت بود. اما در سال ۱۹۹۳ و در نتیجه شعله ور شدن جنگ‌های نژادی و قومی در اروپای شرقی در پی فروپاشی شوروی، جامعه هم به مثابه گروه اجتماعی یکی از ابعاد امنیت دولت ماند و هم به مرجع امنیت ارتقا یافت. بر این اساس، اولاً امنیت جامعه فی نفسه اهمیت دارد، زیرا همبدهای زیادی هستند که فاقد دولت می‌باشند و تهدید علیه هویت آنها - به عنوان واقعیت سیاسی - اهمیت راهبردی دارد.

ثانیاً، در بسیاری مواقع، مرزهای سیاسی با تمایزهای جامعه‌ای انطباق ندارند، چرا که گروه‌های مختلف اجتماعی، مورد ستم دولت خود نیز قرار می‌گیرند و تحکیم امنیت اکثریت گاهاً علت یا علامت تضعیف هویت اقلیت است (Roe, 2005: 2).

ثالثاً، موضوع امنیت جامعه‌ای هویت، اهمیت کیفی دارد. امنیت جامعه‌ای به تهدیدهایی می‌پردازد که حیاتی اند؛ یعنی اگر گروهی هویت خود را از دست دهد، دیگر مایی در میان نیست که به ترمیم و ارتقای آن اقدام شود. این در حالی است که ضعف اقتصاد، عقب ماندگی نظامی، ناکارآمدی سیاسی و فاجعه زیست محیطی، به نحوی قابل احیا هستند. نکته دیگری مرز بین گروه اجتماعی و جامعه است. از دید وی، هر گروه اجتماعی را نمی‌توان جامعه نامید و موضوع امنیت جامعه‌ای قرار داد. گروه‌های اجتماعی باید به اندازه‌ای مهم باشند که بتوانند به طور مستقل از دولت، مرجع امنیت قرار گیرند. آنها باید بتوانند مانند دولت به صورت واحدهایی در نظام بین‌الملل عمل کنند. به عبارت دیگر، امنیت جامعه‌ای، ناظر بر امنیت کل جامعه است و نه امنیت گروه‌ها. جوامع یا جامعه‌ها به آن دسته از گروه‌های اجتماعی موجود در جامعه اطلاق می‌شوند که قادرند دوشادوش دولت به عنوان واحدهای سیاسی مهم در نظام بین‌الملل مطرح شوند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۸).

پل رو در باب معمای امنیت تصریح می‌کند که مقصود بوزان از امنیت جامعه‌ای، واحدهای شبه دولت هستند که اهمیت بین‌المللی دارند، مانند کردها، اما ویور عموماً به امنیت جامعه‌ای گروه‌های درون کشوری توجه دارد که ممکن است اهمیت و عملکرد بین‌المللی هم نداشته باشند اما در داخل واحد سیاسی مشخصی، مهم باشند (Neocleous, 2006: 363).

همان‌گونه که بدان پرداخته شد فرضیه این مقاله این است که گفتمان سیاسی جریان تکفیری داعش (و البته سایر جریان‌های تندرو) برخاسته از احساس عدم امنیت هویت باورها و رویه‌های اجتماعی این جریان تندرو در مقابل جریان‌های موجود جهان معاصر است. به زعم آنان، این تهدید مشخصاً از سوی جامعه غرب متوجه آنها شده است، در حالیکه این عدم امنیت خود یک نوع برساخته اجتماعی - هویتی است و هیچ پایه و اساس واقعی نداشته و نخواهد داشت.

در واقع بررسی ریشه‌های گفتمانی جریان‌های تندرو بیانگر این است که اصولاً نقاط تحریک و خیزش این گفتمان مسائل درون گفتمانی بوده و هیچ مسئله خارجی سبب ساز بنیادی

وجودی این جریان نبوده است؛ اما نباید منکر تقویت آن توسط برخی عوامل خارجی دیگر نظیر حمایت مالی - سیاسی و تحریکات گسترده‌تر باشیم چرا که گاهی اوقات ارائه یک رفتار غلط در مقابل چنین جریان متوهم و بیماری چه بسا سبب تشدید جنون و بیماری خواهد شد.

گفتمان سیاسی که داعش درون آن به تعریف هویت خود پرداخته و در چارچوب آن عمل می‌کند هیچ سنخیتی با اسلام معرفی شده توسط کتاب و سیره حضرت محمد^(ص) نبی مکرم اسلام نداشته است. اساس این گفتمان بر بر ساخته‌های اجتماعی بنیان شده است که لزوماً واقعیت و وجود خارجی ندارند، به طور مثال قتل مشرکین و بت پرستان در کتاب الهی قرآن واجب دانسته شده است. در این راستا هیچ کوشش علمی - تبیینی برای رفع سوء تفاهمات فکری و قشری نگری انجام نپذیرفته است و آنچه انجام می‌پذیرد تلاش‌های تبلیغاتی برای هر چه پر رنگ نمودن این افکار اشتباه و ایده‌های تحریفی می‌باشد. آنها درون گفتمانی کاملاً سیاسی و کاملاً تعریف شده بر علیه هر جریان میانه رویی اعم از شیعیان یا مسیحیان یا اهل تسنن شمشیر کشیده‌اند و داعیه بازگرداندن جهان به سال‌های نخستین و با شکوه اسلام را دارند.

گفتمان اسلام سیاسی جدید چیست؟

روابط بین‌الملل سنتی، آغاز خود را درون سامانه دولت - ملت یا دولت مدرن می‌داند. درون این سامانه فرضیه‌ای وستفالیایی وجود داشت مبنی بر اینکه دین اساساً امری عرفی است و تکثیر دینی و فرهنگی با جامعه بین‌الملل سازگاری ندارد. بلکه باید آن را خصوصی کرد، به حاشیه راند یا حتی مغلوب کرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۲). اما با ایجاد فضای جدید نوعی سکولاریزاسیون زدایی یا حداقل مطالعه و پذیرش آن در روابط بین‌الملل آغاز شده و در این فضای جدید، دین به عامل مهمی در روابط فراملی و بین‌المللی به ویژه در بخش مطالعه تروریسم تبدیل شده است. در این رابطه گفتمان اسلام سیاسی با تحول گفتمانی خود نه تنها بیانگر چالشی مستقیم برای وضع موجود به شمار می‌آید بلکه برای سازمان‌های سیاسی، نهادهای اقتصادی - اجتماعی و بنیان فکری و اخلاقی آنها نیز چالشی بزرگ دانسته می‌شود. این گفتمان ایدئولوژیک است زیرا، خواستار کنار زدن سلطه غرب و احیای ارزش‌های اسلامی در جامعه اسلامی و حتی پذیرش قواعد اسلامی در نظم مورد نظر خود است. این احیاگری آگاهی دینی در حوزه امنیتی و سیاسی

روابط بین الملل می‌تواند تبیین شود. این گفتمان ایدئولوژیک با مبانی و مفاهیم خود در پی القای چیزی است که آن را شر مدرنیته غربی می‌نامند و به دنبال جایگزین کردن دیدگاه غالب خود از دنیا به جای تفسیر غربی از مدرنیته است (FOX and Sandler, 2002, 355). در کل گفتمان مزبور بر این اعتقاد است که هویت‌های سنتی و اخلاق در معرض خطرند و باید از آنها دفاع کرد. هدف سیاسی آنها ایجاد دینی است که در سیاست حاکم باشد.

دیدگاه رادیکالیسم سنی نسبت به تشیع

تندروهای سلفی و وهابی‌ها به شیعیان «رافضی» می‌گویند. به عقیده آنان شیعیان از دین خارج شده و دین اسلام را منحرف کرده‌اند. به نظر می‌رسد که ریشه اصلی اختلاف میان القاعده یا وهابی‌ها با شیعیان به هویت شیعیان بر می‌گردد. هرچند شیعیان عراق، عرب و شیعیان ایران فارس و ترک‌اند، نسل دوم القاعده در عراق یعنی نسل «الزرقاوی» شیعیان را با هویتی ایرانی، فارسی خطاب می‌کنند. بر این اساس، اختلاف آنان با شیعیان به جز عنصر مذهبی به عنصر هویتی فارس و عرب بر می‌گردد. بدین ترتیب عنصر پان عربیسم، که در نسل دوم القاعده در عراق ریشه دارد، در گفتمانی ضد ایرانی و شیعی گسترش پیدا کرده است (العماد، ۲۰۰۲/۱۴۲۳: ۱۵۸).

آنچه سبب می‌شود وهابی‌ها و القاعده به خطا بروند این است که به عقیده آنها منابع دوازده امامی (شیعه) به تفکر زرتشتی، یهودیت یا مسیحیت بر می‌گردد. این در حالی است که بعد از سقوط دولت عثمانی، بسیاری از علمای اهل سنت بر ضرورت احیای روش‌های قدمای اهل سنت بر تعامل با شیعه پافشاری کردند. این روش تعامل در عصر دولت عثمانی با عصر ظهور وهابیت همراه شد. امام بزرگ (محمود شلتوت) «شیخ الازهر» از بزرگترین علمای اهل سنت بر لزوم به رسمیت شناختن شیعه دوازده امامی مثل مذهب چهارگانه اهل سنت تاکید داشت و این رویه را مجاز شناخت و اعلام کرد که مذهب شیعه جزء پنج مذهب اسلامی در آید. بنا بر این متوجه می‌شویم که میان اهل سنت و شیعه اختلاف اساسی نیست.

تفاوت اسلام سیاسی تندرو و اسلام سنتی میانه رو

با توجه به شناخت تاریخی تندروها از جنگ‌های اسلام و مسیحیان و دیگر جنگ‌های معروف دویست ساله صلیبی، این مفهوم نیز جایگاه مهمی در گفتمان اسلام سیاسی نو سلفی دارد. قرارداد

«کارلوویتز» اهمیت ویژه‌ای در تاریخ امپراتوری عثمانی و حتی در سطح گسترده‌تر جهان اسلام دارد، زیرا نخستین قرارداد صلحی است که بین امپراتوری شکست خورده عثمانی با دشمنان مسیحی به امضاء رسید. نو سلفی‌ها مشکل و دلیل این شکست‌ها و آمدن صلیبی‌ها را به سرزمین‌های مقدس مسلمانان، همانا دور شدن از ارزش‌های نیکوی قدیمی اسلامی و عثمانی می‌دانند. آنها معتقدند چاره اصلی بازگشت به این ارزشها است. این تشخیص و تجویز هنوز طرفداران زیادی در خاورمیانه، به ویژه بین القاعده دارد. یعنی بازگشت به گذشته پرافتخار اسلامی و احیای خلافت و مبارزه با دارالکفر، برای جلوگیری از سلطه صلیبی‌ها (سید قطب، ۱۳۷۳: ۴۲). بنا براین جبران جنگ‌ها و شکستهای مسلمانان در برابر صلیبی‌ها (مسیحیان) به نوعی نوستالژی اسلامی و یادآور شکوه و عظمت مسلمانان به شمار می‌آید. البته این موضوع جزء آرمان‌های هر فرد مسلمان برای احیای دوران پرافتخار اسلامی است، القاعده و نو سلفی‌ها ابراز راه بازگشت را ترور و جنگ و جهاد می‌دانند. این در صورتی است که علما و اندیشمندان مسلمان اصلاحگر، عامل اصلی این عظمت را احیای اسلام و انطباق آن با مدرنیته می‌دانند (همان). گفتمان اصلاح از «سید جمال» و «کواکبی» ریشه گرفته و هدف آن عرضه اسلام تساهل‌گرایانه و عمل‌گرایانه است. به عبارت دیگر شناخت مدرنیته در جهان اسلام در حال مقابله با شناخت نوسلفی‌هاست. شناخت شناسی مدرنیته اسلامی، معتقد به نزدیکی دنیای اسلام با غرب، تقسیم علم میان علم اروپایی و علم اسلامی، تاکید بر عقلانیت و فرهنگ اسلامی و بالاخره همخوانی با جهانی شدن است.

با این تفاوت میان اسلام افراطی و اسلام میانه رو (سنتی) متوجه می‌شویم در این میان شیعه به مثابه اسلام میانه رو، نیز در نوک حمله وهابی‌ها و القاعده و تندروها قرار دارد.

نتیجه‌گیری

جریان سلفیه جریان نو ظهوری نیست و قرن‌ها پیش از شکل‌گیری جریان وهابیت، ابن تیمیه پایه‌های تفکر سلفی را پی‌ریزی کرد. ریشه این تفکر در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم میلادی در جریان ایجاد و ساخت تهدیدات هویتی غیر واقعی، آبیاری شده و مجدداً از دل جریان‌های سیاسی معاصر خاورمیانه سر بر آورده است. در ذهن آنها بر ساخته‌ای از شیعه به مثابه یک تهدید خطرناک وجود دارد. همان‌گونه که سازه انگاری قاعده محور، معتقد است که مردم و

جوامع همدیگر را می‌سازند و پدید می‌آورند (Onuf, 1980: 36).

این فرایند که اصطلاحاً «همسازی» نامیده می‌شود از راه کنش‌های گفتاری (اظهاری، دستوری و تعهدی) اتفاق می‌افتد. کنش‌هایی که به سهم خود سه شکل متفاوت از قواعد، یعنی تعلیمی، دستوری و تعهدی را ایجاد می‌کنند. در نتیجه گفت و گو و ارتباط متقابل گویندگان با یکدیگر سطحی از قرارداد همراه با نیرویی تجویزی در میان آنها شکل می‌گیرد و این فرآیند به ظهور قواعد در بین آنها منجر می‌شود. به عبارت کلی‌تر می‌توان کنش‌های گفتاری را «عمل سخن گفتن دانست که به شکلی به کنش فرد دیگری منجر می‌شود» (Onuf, 1980: 66). به همین دلیل سازه‌انگاران معتقدند که زبان ظرفیت‌های اجرایی دارد. به عبارت دیگر «گفتار، کردار است». آبیاری ریشه‌های تفکر وهابیت و سلفی‌گری با استفاده نادرست از عبارتهای علمای شیعه و وارونه‌نمایی اعمال و رفتارهای مذهبی شیعیان و همچنین ایجاد ترسهای موهوم از آموزشهای غربی در مدارس انجام پذیرفت و مورد حمایت دولت‌هایی قرار گرفت که این دولت‌ها اولاً، از قدرت یافتن شیعیان در منطقه ترس غیر واقعی داشته‌اند؛ و ثانیاً تفکر استعلایی و منصف و علمی شیعیان را خطری در جهت افزایش محبوبیت و جذابیت اسلام در جهان و تقابل با تفکر لیبرال دموکراسی می‌دانستند.

البته شرایط داخلی کشورهای منطقه مانند عراق، سوریه و لبنان و تحولات پیش آمده پس از سال ۲۰۰۳ را نیز باید در تجهیز و سازمان یافته‌تر شدن و شکل‌گروهی گرفتن جریان داعش مورد بررسی و مذاقه قرار داد. بدیهی است این جریان در درجه نخست امنیت مکتب اسلام و حکومت اسلامی شیعیان چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی را به خطر می‌اندازد و مانند پاکسازی قومی نژادی به پاکسازی دینی - مذهبی خواهد انجامید و در نهایت موجبات عرفی شدن دین و فرایند سکولاریزاسیون در خاورمیانه را فراهم خواهد آورد. چرا که با تجزیه خاورمیانه و استمرار منازعه‌ها، عاقبت کوتاه نظران یگانه راه برون رفت از این بحران را غیر دینی ساختن سیاست و سکولاریزاسیون می‌دانند کما اینکه هم اکنون شستشویهای ذهنی و ایجاد برساخته‌های اجتماعی با این مضمون را آغاز نموده‌اند. و در نهایت وجود چنین جریان‌هایی به نفع کسانی است که هرگز به خاورمیانه اجازه سکوت و آرامش را نخواهند داد.

منابع

عربی

۱. ابن بطوطه، (۱۴۱۷ق)، رحله، مغرب، آکادمیه مملکه المغربیه.
۲. اسماعیل ابن کثیر، (۱۴۲۳)، طبقات الشافعیه، بیروت، دارالمدار الاسلامیه.
۳. خلیل عمران، منصور، (۱۴۱۷)، مرأة الجنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴. السبکی، عبدالکافی، (۱۴۱۸)، السیف الصقیل، قاهره، مکتبه الزهران.
۵. شوکانی، محمد، (۱۴۲۹)، بدر الطالع، بیروت، دار ابن کثیر.
۶. عسقلانی، این حجر، (۱۴۳۳)، الدرر الكامنة، بیروت، دارالجیل.
۷. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۲۹)، الفتاوی الحدیثه، بیروت، دارالصفوه.

فارسی

۸. اسپوزیتو، جان لی و اوول، جان، (۱۳۸۶)، «اسلام و غرب، صدای گفت و گوی مسلمانان» در کتاب دین و روابط بین‌الملل، یورگن هابرماس و دیگران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۹. باری بوزان - مناطق و قدرت‌ها - اولی ویور ترجمه رحمان قهرمان پور - تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی - ۱۳۸۸.
۱۰. تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۳)، «روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان»، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
۱۱. تاجیک، محمد رضا، (۱۳۸۷)، فرامدرنیسم، و تحلیل گفتمان، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۲. دکتر حاتم قادری، (۱۳۷۹)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. دکتر نبی ا... ابراهیمی، (۱۳۹۲)، نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۱۴. زریاب خویی، عباس، (۱۳۸۲)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، موسسه مطالعات اسماعیلی لندن.
۱۵. سید قطب، (۱۳۸۸)، عدالت اجتماعی از اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و سید هادی خسرو شاهی، تهران، کلبه شرق.
۱۶. علی اکبر علیخانی، (۱۳۹۲)، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز - تهران انتشارات به آفرین.
۱۷. علیرضا خسروی، (۱۳۹۲)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. قدیر نصری، تاملی نظری در یافته‌ها و دشواریهای «باری بوزان» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، زمستان ۱۳۹۰.

۱۹. گفتگوی نشریه دیپلماسی ایرانی محمد ایرانی با سفیر اسبق ایران در اردن و کارشناس مسایل خاورمیانه انتشار اولیه: سه شنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۳.
۲۰. مرتضی مطهری، (۱۳۷۵)، لیات علوم اسلامی، کلام، مذاهب و فرق کلامی، تهران، صدرا.
۲۱. مصاحبه با «رابرت بائر» مسئول سابق سازمان سیا در منطقه شرق میانه و متخصص روابط بین‌المللی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا با روزنامه فرانسوی اومانیتیه - آگوست ۲۰۱۴ - ترجمه الف آذرفریتاش.
۲۲. مطالعه تطبیقی مفهوم هویت از منظر مکتب انگلیسی و تئوری سازه انگاری - فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل - دوره نخست، شماره سوم بهار. ۱۳۹۱.
۲۳. وندولکا کوبالکووا، (۱۳۹۲)، سیاست خارجی در جهان برساخته - ترجمه: دکتر مهدی میرمحمدی، دکتر علیرضا خسروی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

انگلیسی

24. Azzam, Maha (2006) "political islam: violence and the Wahhobi connection" in the Makig of terrorist: risti reument, training and root causes, Vol. 1
25. Ayoob, Mohammad (1984); "Security in the Third World: The Worm about to **Turn?**" **International Affairs**, 60 (1).
26. "Al-Azhar: ISIL serving Zionist plot to destroy Arab world", Middle East News, Alalam, Monday, September 08, 2014
27. Baldwin, David A. (1995); "Security Studies and the End of the cold War", **World politics**, 48 (1).
28. Betts, Richard K. (1997); "Should Strategic Studies Survive?" **World Politics**.
29. Bigo, Didier, (2002); "Security and Immigration: Toward a Critique of the Governmentality of Unease", *Alternatives*, 27 (Special Issue).
30. Fox, Jonathan; Sandler, Shmuel (2004), *Bringing Religion in to International Relations*, New York: plage: Macmiliian.
31. Friedman, Thomas "Take a Deep Breath ,ISIS and the Arab World" New Yourk Times, /2014/09/17
32. Onuf, Nicholas G. 1989. *World of our Making: Rules AND Rule in Social Theory and International Relations*. Colombia: University of South Carolina Press
33. Hill, Cristopher , "Iraq after Maleki". Project- syndicate , the World opening page, 25 aougest 2014
34. "Report: ISIL militants use US-made arms supplied by Saudi Arabia, Middle East News, Alalam, Monday, September 08, 2014